

# بررسی اغراض بلاغی خبر و انشای طلبی در دوبیتی‌های مفتون بُردُخونی

سید نیام‌الدین حسینی<sup>۱</sup>

دکتر سید محمود سید صادقی<sup>۲\*</sup>

دکتر شمس‌الحاجیه اردلانی<sup>۳</sup>

## چکیده

مفتون در دوبیتی‌ها و عاشقانه‌های غنایی و سایر اشعار خود به شیوه مؤثر از ابزارهای بلاغی، مخصوصاً علم معانی بهره برده است. در این پژوهش، نقش علم معانی در انتقال اندیشه‌های شاعرانه در دوبیتی‌های مفتون، بررسی شده تا مشخص شود او هنگامی که در لابه‌لای دوبیتی‌های غنایی و عاشقانه خود خواسته است، به‌طور ضمنی به پند و اندرز و تعلیم روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده و چگونه آنها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. مفتون با استفاده از علم معانی و ابزارهای مناسب آن مانند جمله‌های پرسشی، خبری و امری به شیوه‌ای مؤثر، در انتقال مفاهیم و مضامین شعری به مخاطب خود موفق بوده است و درعین حال از این طریق، حضور مخاطب در لابه‌لای متن را نیز برجسته‌تر نشان داده است. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آنها برای شناخت اندیشه و افکار او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به کار رفته در ابیات تعلیمی و اغراض معانی ثانویه آنها، چگونگی پیوند زبان غنایی مفتون با اهداف تعلیمی او در این سروده‌ها مشخص می‌شود. نگارندگان در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای به بررسی این دسته از جملات و معانی ثانویه آنها پرداخته‌اند و نکات برجسته سه مبحث از علم معانی، یعنی جملات پرسشی امری و خبری و نقش و تأثیر آنها در انتقال مؤثر مضامین شاعر در سروده غنایی و عاشقانه، شرح و تبیین شده است.

**واژگان کلیدی:** دوبیتی، مضامین شعری، مفتون بُردُخونی، خبر و انشاء، علم معانی.

---

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: hoseini134949@yahoo.com

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران (نویسنده مسئول)

Email: sadeghi.mhmood33@yahoo.com

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

Email: ardalani\_sh@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ ارسال: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

## مقدمه

مفتون پُردخونی یکی از شاعران دوبیتی‌سرای جنوب است که به خاطر سبک ویژه و خاص خویش در سرودن دوبیتی اهمیت دارد. اهمیت او در حوزه ادب فارسی در آن است که اندیشه‌ها و احساسات نازک و عواطف و مضمون‌ها و نکته‌های شاعرانه دقیق را در زبانی بسیار ساده و نزدیک به زبان محاوره و عوام بیان کرده است. زبان و شیوه بیان اندیشه او ریشه در چشمه پاک و زلال و زاینده زبان گفتار دارد و آنقدر صادقانه سخن می‌گوید که سازها، سوزها، رازها و حال‌ها در کلام او به خوبی جلوه‌گر می‌شوند. علم معانی از ابزارهای بلاغی مؤثر است که نقش گسترده‌ای در بیان اندیشه و افکار مفتون در دوبیتی‌هایش داشته است. در این پژوهش نقش علم معانی در انتقال پیام در دوبیتی‌های مفتون، بررسی شده تا مشخص شود او هنگامی که در لابه‌لای دوبیتی‌های غنایی و عاشقانه خود خواسته است به‌طور ضمنی به پند و اندرز و تعلیم روی بیاورد، از چه نوع جمله‌هایی استفاده کرده و چگونه آنها را به کار برده است تا مضامین مورد نظر به بهترین شکل به مخاطب منتقل شود. بررسی این دسته از جملات و اغراض ثانویه آنها برای شناخت اندیشه مفتون و اهداف تعلیمی او بسیار ضروری است. با بررسی نوع جملات به کار رفته در ابیات و اغراض و معانی ثانویه آنها، چگونگی پیوند زبان غنایی مفتون با اهداف تعلیمی او در این سروده‌ها مشخص می‌شود. همچنین در این پژوهش مشخص می‌شود که آیا مفتون به روش مستقیم و با کاربرد معانی حقیقی جملات به موعظه و تعلیم پرداخته یا برای تأثیر بیشتر از روش غیرمستقیم و معانی ثانویه بهره برده است؟

## پیشینه پژوهش

در ارتباط با تأثیر علم معانی در ادبیات تعلیمی، پژوهش‌هایی چند صورت گرفته است که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- میرباقری فرد و محمدی (۱۳۸۹) در مقاله "بررسی و نقش پرسش در آثار عین القضات همدانی" مبحث پرسش را در آثار تعلیمی عین القضات بررسی کرده‌اند.

- محمودی (۱۳۹۳) در مقاله "بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصرخسرو" اشعار ناصرخسرو را از این منظر بررسی کرده است.
- فاتحی نصرآباد (۱۳۹۵)، در مقاله "بیان مضامین تعلیمی در خلدبرین وحشی بافقی با استفاده از خبر و انشای طلبی"، به بررسی جملات امری، خبری و پرسشی خلدبرین و معانی ثانویه آنها پرداخته است.
- جمالی (۱۳۹۵)، در مقاله "نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی" به نقد و تحلیل خبر و انشای طلبی پرداخته است.

آنچه موجب تمایز تحقیق حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل، در رابطه با بیان مضامین تعلیمی در دوبیتی‌های مفتون بُردْخونی با استفاده از خبر و انشای طلبی، صورت نگرفته است؛ بنابراین تحقیق حاضر در این زمینه برای اولین بار صورت می‌گیرد و نوآورانه است.

### مفتون بُردْخونی

سید بهمنیار (آقا بهمنیار) حسینی (۱۳۸۱-۱۳۱۵) متخلص به مفتون از سادات خطه جنوب، از سادات بُردْخون می‌باشد. نام پدر وی علی‌اکبر و نام مادرش زبیده است. آقا بهمنیار از جوانی کسب کمال و معرفت کرد. لذا استعداد فطری خود را بروز داد و به ساختن اشعار پرداخت. پس از چندی از بردخون به آبادی کوروک واقع در شش فرسنگی جنوب غربی بردخون مهاجرت نمود و تا آخر عمر در آنجا زیست. مفتون شاعری دوبیتی سرا است. دوبیتی‌های وی در گفتار به درک عامه نزدیک‌تر و از سهولت بیشتری برخوردار است. دوبیتی زیر به جهت اشاره به زادگاه و وطنش بردخون و بیان درد جنوبی بسیار معروف شده است.

بتا غربت برای من وطن شد      وطن بی‌روی تو زندان من شد  
تو اندر مصر و کنعان خرم و شاد      ز مفتون بردخون بیت الحزن شد

(مفتون، ۱۳۸۱: ۹۴)

مفتون در فنون ادبی آزموده و توانا بود. این برجستگی در سخنان او پیداست. دیوان اشعار وی شامل دوبیتی و غزل و قصیده، رباعی و مثنوی است. شاعر در بیشتر اشعارش از صنعت تشبیه استفاده کرده است. ابداع مضمون‌های گوناگون برگرفته از تخیل‌های ظریف و دقیق همراه با تشبیهات تازه در اشعار مفتون پُرذخونی باعث زیبایی و برجستگی شده است. ایشان غزل را نیکو می‌سرود و در این زمینه، شدیداً تحت تأثیرحافظ بوده است. همچنین مثنوی لیلی و مجنون را سروده که بسیار زیبا است؛ اما شهرت او بیشتر به خاطر دوبیتی‌های دل انگیز اوست. لازم به توضیح است که دیوان اشعارش معروف به هدایه العشاق است؛ یعنی مجموعه کوچک اشعار اوست. مفتون غیر از دیوان، دوبیتی و دیگر نمونه‌های شعری، دارای نوشته "کشکول" است که شامل یادداشت‌هایی در زمینه و موضوعات گوناگون است. به گفته منتقدان و شاعران در اشعار مفهوم تکرار فراوان لفظها و تعابیر، یعنی تکرار یک معنی در لفظهای گوناگون، زیاد به چشم می‌خورد. مفتون غزل را نیکو می‌سرود وی در غزل نیز دستی توانا داشت.

#### ۱. اهمیت ادبیات تعلیمی در دوبیتی‌های مفتون: با بررسی ابیات دوبیتی‌های مفتون، مشخص

شد از مجموع ۶۶ بیت، ۱۳۲ بیت به‌صورت آشکار و یا ضمنی، درون‌مایه تعلیمی دارد که با توجه به قرار داشتن این اثر در ژانر تعلیمی، این تعداد نشان دهنده اهمیت و ارزش بُعد تعلیمی اثر برای شاعر است. همچنین با توجه به نتایج پژوهش، مفتون برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود به ترتیب از جملات خبری و امری بیشترین استفاده را کرده است. در این پژوهش تنها این دسته از جملات با تکیه بر دانش معانی و اهمیت معانی ثانویه جملات در آن بررسی قرار می‌شوند.

#### ۲. جملات انشایی: انشا در لغت به معنای ایجاد است و اگر خبر را جمله‌ای بدانیم که در

ذات آن احتمال صدق و کذب وجود دارد و به عبارتی می‌توان آن را راست یا دروغ پنداشت، "انشا کلامی است که بالذات محتمل صدق و کذب نیست." (هاشمی، ۷۵: ۱۳۸۸)

بنابراین چون انشا از واقعه‌ای در خارج خبر نمی‌دهد، نمی‌توان آن را دروغ یا راست دانست.

"مطابقت خبر با واقعیت خارجی به این معناست که جمله خبری از وقوع یا لاوقوع امری در خارج خبر می‌دهد در حالی که مطابقت نداشتن انشا، حکایت از وقوع یا لاوقوع امری در خارج

نیست و جز با تلفظ به کلمات خاصه آن حاصل نمی‌شود. چنانکه طلب فعل زدن در لفظ بز و طلب خودداری یا نهی از آن در لفظ مزن. طلب محبوب در لفظ تمنا کاشکی و کاش وجود دارد." (رضانژاد، ۱۳۶۷: ۲۹۱)

به‌طور کلی انشا به دو گونه طلبی و غیرطلبی تقسیم می‌شود؛ انشای طلبی در منابع بلاغی، اهمیت بسیار دارد، به‌طوری که بحث‌های مفصلی درباره ابواب آن در علم معانی مطرح شده است؛ اما در مقابل با وجود اهمیت بحث انشای غیرطلبی، آن را خارج از حوزه بررسی‌های بلاغی تلقی کرده‌اند و در آثار بلاغی تنها به اقسام آن اشاره شده است.

"در بیشتر متون بلاغی، منظور از بحث انشا، انشای طلبی است و انشای غیر طلبی را موضوع بررسی بلاغی نمی‌دانند. بعضی دلیل مهم تفکیک انشای غیرطلبی از انشای طلبی را "نخواستن و طلب نکردن" یا "طلب نکردن در وقتی که مورد طلب حاصل باشد" دانسته‌اند." (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۳۲)؛ اما انشای طلبی خواستن چیزی است به ایجاب یا به سلب، یعنی امر و نهی و طبق نظر قدما شامل تمنی، امر، نهی، استفهام، ندا و دعا می‌شود. با توجه به اینکه مفتون، دو دسته از جملات انشای طلبی یعنی جملات امری و پرسشی را برای بیان اندیشه‌های شاعرانه خود استفاده کرده است، در این بخش به این دسته از جملات و اغراض ثانویه آنها در ابیات مربوط پرداخته می‌شود.

### جملات پرسشی

جملات پرسشی یا استفهامی از انواع انشای طلبی است که به دلیل دارا بودن معانی ثانوی و تأثیرگذاری در شیوه انتقال معنی، مفهوم و عاطفه به مخاطب، از موضوعات اساسی و مهم علم معانی محسوب می‌شود. در کتب بلاغی فارسی نیز تعاریفی بیان شده است که با توجه به متون عربی، مباحثی درباره استفهام بیان کرده‌اند و در مواردی حتی واژه‌هایی که به‌عنوان الفاظ استفهام بیان شده، عربی می‌باشد. علامه همایی تعریفی که از پرسش ارائه می‌کند، نسبت به سایر منابع فارسی، واضح و رساتر است. "استفهام در حقیقت به معنای پرسیدن است در مواردی که گوینده جاهل به امری باشد." (همایی، ۱۳۷۴: ۱۰۵)

اگر در جمله، سؤال، به‌منظور درک و دریافت مجهول به کار رود، در آن صورت در معنای حقیقی خود به کار رفته است و در صورتی که گوینده، انتظار شنیدن پاسخ از مخاطب نداشته باشد در معنای ثانوی خود به کار گرفته شده است. "این نوع پرسش را پرسش بلاغی یا هنری یا ادبی یا استفهام مجازی و یا استفهام در معنای ثانویه نیز می‌نامند." (کزازی، ۱۳۸۵: ۲۰۶) "در این موارد پرسشگر نمی‌پرسد تا بداند، بلکه هدف اصلی کلام او شگفتی، توییح، سرزنش، استرحام، اندوه یا تمنی است. تنوع مقاصد ثانوی پرسش نشان می‌دهد که گوینده از این طریق بهتر و بیشتر می‌تواند پیام خود را ابلاغ و اندیشه‌های خود را القا کند." (آقاحسینی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۳۴)

بر همین اساس، بررسی جمله‌های پرسشی، مربوط به دوبیتی‌های مفتون، بیانگر آن است که اکثر ابیاتی که مفتون به شکل پرسشی به کار برده، برای دریافت پاسخ از سوی مخاطب بیان نشده است. این‌گونه پرسش‌ها، نوعی تأییدگرفتن ذهنی از مخاطب است و در حقیقت، همان روشی است که ارسطو در فنّ خطابه بیان کرده است: "برخی تأثیرات پرسش، توسط شیوه‌ای که سخنرانی‌نویسان به کار می‌برند بر مستمعان گذاشته می‌شود تا بتواند از آگاهی دیگران بهره‌ای برده باشد." (ارسطو، ۱۳۷۱: ۲۱۳)

جمله‌های پرسشی، اعم از معنای ثانویه و اعم از معنای حقیقی در ایجاد ارتباط گوینده با شنوندگان، بسیار مؤثر است؛ زیرا جملات پرسشی، مستقیماً شنونده را در مرکز توجه قرار می‌دهند و او را در گفت و گو سهیم می‌کنند.

در جملات پرسشی به کار رفته در ترانه‌های مفتون، گاهی شاعر بدون آنکه انتظار دریافت پاسخی را داشته باشد، با توجه به احوال مخاطب، تنها تقاضای تأیید از سوی او را دارد. در این‌گونه موارد، حتی اگر مخاطب اطلاعی از موضوع نیز نداشته باشد، مفتون با مثال این‌گونه پرسش‌ها به نوعی از مخاطب تأیید درونی می‌گیرد و مطلب را چنان واضح و آشکار بیان می‌کند که ضمیر مخاطب ناآگاه را راهنمایی می‌کند و او را از این طریق وادار به پذیرش تعلیمات خود می‌کند. "این امر به فرآیند آموزش و تعلیم کمک می‌کند و از آنجا که حضور مخاطب احساس می‌شود، تأثیر کلام نیز افزایش می‌یابد." (محمودی، ۱۳۹۳: ۲۵۶) بیت زیر نمونه‌ای از این شیوه

تعلیم مفتون از طریق جملات پرسشی است. شاعر به اهمیت پابندی به عهد و پیمان اشاره دارد و از بی‌وفایی و شکستن عهد و پیمان شکوه کرده است.

بتا رسم وفاداری همین بود؟      طریق دوستی جانا همین بود؟

شکستی بعد بستن عهد مفتون      سزای ما همین‌ای نازنین بود؟

(مفتون: ۹۶)

همچنین گاهی مفتون برای بیان نکته‌های اخلاقی و تعلیمی خود همراه با ذکر پرسش، پاسخ آن را بیان می‌کند. این شیوه پرسش، سبب می‌شود که جست‌وجو و تلاش ذهنی مخاطب برای پیدا کردن پاسخ، متوقف شود و تنها بر روی پاسخ بیان شده، تمرکز کند. بیت زیر نمونه‌ای از این شیوه تعلیمی مفتون است که پس از بیان وفاداری و عشق خود نسبت به معشوق، می‌گوید تا زمانی که زنده هستم و حتی بعد از مرگ عشق تو در وجود من باقی خواهد ماند:

اگر گیرد لحد جسمم درآغوش      تو رای دوست کی سازم فراموش؟

شوم گر خاک و خاک من برد باد      به عشقت خون مفتون می‌زند جوش

(همان: ۱۱۵)

در مواردی نیز مفتون از طریق جملات پرسشی انکاری به موضوعات تعلیمی اشاره کرده است. او با استفاده از این دسته از جملات پرسشی و با لحن تحکم‌آمیز نهفته در آنها از سوی مخاطبان آگاه به مطلب را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر از این جملات به صورت عاملی برای گرفتن تأیید ذهنی از مخاطبان ناآشنا استفاده کرده است. در استفهام انکاری، هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است؛ بنابراین مفتون از این ابزار بلاغی در جهت بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره برده است و بدون اینکه به طور مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد.

کمان ابرو و مژگان چون تیر      گهی خنجر نمایی گاه شمشیر

مهیایی برای قتل مفتون      نموده در وفاداری چه تقصیر؟

(همان: ۵۰)

بیان جملات پرسشی با اغراض ثانویه، شیوه‌های متفاوت بیان پرسش و در نظر گرفتن احوال مخاطب و استفاده از این ابزار بلاغی در جهت انتقال پیام‌های تعلیمی علاوه بر اینکه سبب ارتباط نزدیک شاعر با مخاطبان خود شده به پویایی و زنده بودن متن نیز کمک فراوانی کرده است؛ زیرا اگر این‌گونه مطالب تعلیمی پی‌درپی و در قالب ارشاد و نصیحت و بدون در نظر گرفتن احوال مخاطب، بیان شده بود، برای مخاطب جاذبه‌ای نداشت و متن را به مجموعه‌ای از اندرزهای خشک و خسته‌کننده تبدیل می‌کرد. "این شیوه در زنده کردن متن و ایجاد ارتباط با هر خواننده‌ای مؤثر است؛ زیرا در جمله‌هایی که مایه توییح، امر و تنبیه دارد، اولاً موضع برتر گوینده از آن جهت که مطلب را می‌داند در متن پررنگ می‌شود و ثانیاً مستقیماً مخاطب را در مرکز توجه قرار می‌دهد و در نتیجه به القای مفاهیم و مطالب آموزشی کمک می‌کند." (میرباقری، ۱۳۸۹: ۱۵۶)

جملات پرسشی به کار رفته در ترانه‌های مفتون به ترتیب بسامد در اغراض زیر به کار رفته‌اند.

### توییح و ملامت:

تو که عهد و وفای من شکستی	تو که با غیر من تنها نشستستی
چرا ای بی‌مروت بار دیگر	دل مفتون ز تیر غمزه خستی

(مفتون: ۱۵۰)

نمایم تا به کی فریاد از این دل	برم در نزد که بیداد از این دل؟
مگر مفتون خداوند جهاندار	بگیرد از برایت داد از این دل

(همان: ۱۲۰)

تو را گر رسم بودی بی‌وفایی	نمودی از چه با ما آشنایی
در اول عهد با مفتون نبستی	چرا کردی تو در آخر جدایی

(همان: ۱۴۷)



### استفهام انکاری:

من و پیمان یار و عشق دلبر / شده عهد الست و عالم زر  
زدنیا کی شود مفتون بریده؟ / چه پیش آید نگر در روز محشر

(همان: ۱۰۳)

کمان ابرو و مزگان چون تیر / گهی خنجر نمایی گاه شمشیر  
مهیایی برای قتل مفتون / نموده در وفاداری چه تقصیر؟

(همان: ۱۰۴)

دلم خون شد زهجران توای دوست / سپس دستم به دامان توای دوست  
بریده می‌شود تا روز محشر / کجا مفتون ز پیمان توای دوست

(همان: ۸۰)

هشدار:

فلک از جئور تو خون شد دل من / نشد حل از تو گاهی مشکل من  
مگر با تو چه بد می‌کرد مفتون؟ / که تر از آب غم کردی دل من

(همان: ۱۰۱)

مگر عاشق کشی جانا ثواب است / که انگشتت به خون من خضاب است؟  
یقین از کشتن مفتون نداری / پریشان زلف مشکین از چه باب است؟

(همان: ۱۰۳)

بدین حسن جمال و مهربانی / چراای نازنینت دل به ما نی؟  
بود امید مفتون که بمانی / همیشه در نشاط نوجوانی

(همان: ۱۴۹)

### تأسف:

الهی کی سراید شام هجران      به پایان کی رسد ایام هجران؟  
به سر شد عمر مفتون در پی وصل      نمی‌باشد پدید انجام هجران

(همان: ۱۳۳)

دلی که خون بود از فرقت یار      تنی که هست دور از وصل دلدار  
به هجران خود گذارد جسم مفتون      چرا باشد به رنج تب گرفتار

(همان: ۱۰۵)

مفتون به هنگام کاربرد جملات پرسشی، معنای ثانویه توییح و ملامت و هشدار را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال تعالیم اخلاقی و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. مفتون برای وفاداری، عطف و مهربانی، عدم جور و ستم، محبت و... این دسته از جملات را استفاده می‌کند و سعی می‌کند با استفاده از ابزار بلاغی پرسش، خوانندگان را از معیارهای انسانی متبته سازد و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از توییح و ملامت، بیشترین جملات پرسشی به صورت استفهام انکاری و تأسف است و مفتون از این طریق بدون اینکه به صورت مستقیم، سعی در بیان آرا و عقاید خود داشته باشد، با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. با توجه به این نکته که پرسش بلاغی در آن، گوینده هیچ‌گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته‌سازی پیام است؛ بنابراین مفتون از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم نصایح و پیام‌های اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند.

### جملات امری

رجایی در کتاب معالم البلاغه در تعریف امر می‌گوید: "امر طلب حصول فعل است بر سبیل استعلاء، یعنی در حالتی که طالب خود را در شأن و مرتبه بالاتر از کسی که از او طلب می‌کند

بداند، خواه در حق و واقع چنین باشد یا نه بلکه فقط به‌حسب ادعای طالب باشد و لذا در صورت دوم طالب را به اسائه ادب موصوف کنند." (رجایی، ۱۳۵۹: ۱۴۹)

غرض اصلی از امر، تقاضا یا دستور است، اما در ادبیات در مقاصد مجازی هم به کار می‌رود. این دسته از جملات، در انتقال اندیشه‌های تعلیمی مفتون نقش بسیار مهمی دارند. در آثار بلاغی، معمولاً ارشاد معنای ثانوی جملات امری است؛ اما در ابیات تعلیمی که هدف اصلی متکلم تعلیم و ارشاد مخاطب است، بهتر است ارشاد در جایگاه معنای اصلی و حقیقی جمله در نظر گرفته شود؛ زیرا غرض اصلی همه جملات تعلیمی به‌ویژه در امر و نهی، ارشاد مخاطب است. در بررسی دوبیتی‌های مفتون، بسیاری از جملات با معنای حقیقی و به قصد ارشاد به‌کار رفته‌اند؛ اما مفتون علاوه بر اینکه در ابیات بسیاری امر را به طور مستقیم و برای ارشاد و راهنمایی به کار برده، در مواردی نیز علاوه بر غرض اصلی ارشاد و راهنمایی، ابیات تعلیمی را با معانی ثانویه زیر بیان کرده است.

#### تشویق:

دلم گوید همی ترک وطن کن      نمی‌ترسی زخود رحمی به من کن  
شدم خون از جفای بی‌وفایان      توای مفتون برو غربت وطن کن

(مفتون: ۱۳۴)

#### توبیخ و ملامت:

به شهر خوب رویان جز جفا نیست      به بازار بتان رسم وفا نیست  
به امید وصال یار مفتون      بکش زحمت جفا هم بی‌صفا نیست

(همان: ۸۰)

#### فرح و شادی:

عجب از بخت کج رفتارم امشب      به دیدار من آمد یارم امشب  
بکن مفتون همین جانی که داری      نثار مقدم دلدارم امشب

(همان: ۷۷)

### ارشاد و راهنمایی:

بود پنجاه سال‌ای یار بدخو      که دل کرده به عشق روی تو خو  
رسیده مدت مفتون به آخر      بگیر آخر تو هم یک دم به او خو

(همان: ۱۴۰)

### اذن و اجازه:

ز هجر یار با خون دل امشب      به دیر گشت ما را منزل امشب  
صبا برگو بیا در خواب مفتون      عزیز جان و آرام دل امشب

(همان: ۱۱۴)

### تهدید و تحذیر:

خدایی که چنین خلقت نمودت      نگه می‌دارد از چشم حسودت  
جفا کم کن بمانی بعد مفتون      پشیمانی ندارد هیچ سودت

(همان: ۱۰۹)

### التماس:

بیا که از غمت جانا فگارم      بیا که در فراق اشکبارم  
به امیدی که آید یار مفتون      سر راهش دو چشم انتظارم

(همان: ۱۳۴)

بتا کی می‌شوی دمساز با من      کنی باب محبت باز با من  
به امید وفایت یار مفتون      بکن تا می‌توانی ناز با من

(همان: ۱۳۲)

### استرحام:

نه کس فریاد رس در آن زمانم      نه در آن خانه یک تن هم زیانم  
در آن ساعت به حال زار مفتون      بکن رحم ای خدای مهربانم

(همان: ۱۲۷)

مکحل نرگس جادو نموده      بر و دوش و قد و بالا و رفتار  
اول از لعل لب مفتون بده آب      پس آن گه قتلش از ابرو نموده

(همان: ۱۴۲)

بتا از چشم مستت ساغرم بخش      یک آبی ز آن لب چون کوثرم بخش  
اگر دیدی تو از مفتون خطایی      به رنگ زرد و چشمان ترم بخش

(همان: ۱۱۲)

پس از مرگم توای زیبا نگارم      بیبا با گل‌عذاران بر مزارم  
دمی بنشین و از مفتون بکن یاد      که از بویت سر از تربت برآرم

(همان: ۱۲۲)

#### گله و شکایت:

ز عشقتای نگار دل فروزم      به تن پیراهن طاقت بدوزم  
از این آتش که بر مفتون فشاندی      بگوای نازنین تا کی بسوزم

(همان: ۱۲۷)

همان‌گونه که ملاحظه می‌کنیم، جملات امر در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند؛ اما معنای ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آنها استرحام و التماس است. مفتون از طریق جملات امری مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون کند. پس از کاربرد جملات امری با معنای استرحام و التماس، بیشترین جملات امری با معنای ثانویه التماس به کار رفته‌اند. مفتون در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق التماس و استرحام مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود این به مقوله، بهره‌گیری از جملات امری می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات امری در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معنای ثانویه آنها مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد. به‌عنوان مثال در بخش‌هایی که به‌طور

مستقیم یا غیرمستقیم مخاطب او معشوق است از جملات امری بهره می‌برد که دارای درون‌مایه هشدار و تهدید هستند و معنای ثانویه تشویق و ترغیب را در خود دارند تا از این طریق به‌گونه‌ای محترمانه مخاطب را به نیکی تشویق کند. جملات امری که یا این معنای ثانویه همراه باشند کلام را به‌سوی سادگی و بُعد عاطفی بیشتری هدایت می‌کند و بر مخاطبین تأثیرگذارتر است. همچنین در بسیاری از ابیاتی که روی سخن مفتون با تمامی مخاطبین خود است، مانند حکیمی آگاه به مسائل دینی و دنیوی سعی می‌کند از طریق جملات امری و با معنای هشدار و تحذیر مخاطب خود را ارشاد و هدایت کند. گاه نیز برای ارشاد مخاطب از جملات امری با معنای ثانویه توییح و ملامت بهره می‌گیرد؛ بنابراین مفتون با کاربرد جملات امر در این معنا مخاطب خود را به‌طور غیرمستقیم از بدی باز می‌دارد و به‌خوبی رهنمون می‌شود. در مجموع کاربرد جملات امری چه در معنای حقیقی آن و چه در معنای ثانویه، بیانگر اهمیت آن در اندیشه تعلیمی مفتون است. بسامد بالای جملات امری در میان دوبیتی‌های مفتون نشان از اهمیت متکلم برای حضور مخاطب در متن دارد؛ زیرا التماس، استرحام، ارشاد، هشدار، تشویق و توییح و ملامت در صورتی از سوی متکلم معقول است که او به حضور مخاطب اعتقاد داشته باشد و ارتباط نزدیکی با او در متن داشته باشد. یکی از جنبه‌های اصلی تأثیرگذاری ادبیات تعلیمی، تقویت ارتباط میان متکلم و مخاطب است و متکلم موفق و هوشیار معمولاً از ابزارهای طبیعی مخاطب محور در ایجاد ارتباط کلامی بهره می‌برد. جملاتی که به‌طور مستقیم مخاطب را مورد توجه قرار دهند، ابزارهای طبیعی ایجاد ارتباط کلامی هستند. به نظر می‌رسد مفتون با شناخت این ویژگی ادبیات تعلیمی و کاربرد گسترده جملات خبری طلبی، جملات امر و نهی و جملات پرسشی که مستقیماً مخاطب را مورد توجه قرار می‌دهند، مطالب تعلیمی خود را به شیوه‌ای مؤثر بیان کرده است.

### جملات خبری

در علم معانی جملات به خبری و انشایی تقسیم می‌شوند. "خبر سخنی است که مدلول آن در خارج از ذهن و جدای از گفتار وجود داشته باشد. مقصود از راست بودن خبر، هماهنگی آن با

واقعیت و حقیقت است و مراد از دروغ بودن خبر ناهماهنگ بودن آن با واقعیت است." (هاشمی، ۱۳۸۸: ۹۱) بنابراین کلام خبری آن است که صدق و کذب را ذاتاً در ماهیت خود دارد و به وسیله آن عمل اطلاع‌رسانی صورت می‌گیرد، یعنی فرستنده پیام را به گیرنده منتقل می‌کند.

غرض اصلی از جمله خبری، انتقال پیام به شنونده یا خواننده است؛ اما در آثار ادبی غالباً خبر با انگیزه‌های هنری ابراز می‌شود و هدف اصلی آن اطلاع‌رسانی نیست، بلکه ایراد سخن فصیح با معانی ثانویه و بنا به مقتضای حال مخاطب، از اهداف اصلی جملات خبری در آثار ادبی است. تفتازانی جمله خبری را به سه نوع افاده حکم، افاده لازم حکم و اغراض دیگر تقسیم می‌کند (تفتازانی، بی تا: ۱۹). بر همین اساس، صاحب کتاب "هنجار گفتار" می‌گوید: "مخاطب یا عالم است به حکم کلام یا جاهل است و جاهل یا منکر است و معتقد به خلاف و یا متردد است و در صدد سؤال و یا خالی‌الذهن؛ پس اگر عالم است، القای کلام به او لغو خواهد بود، مگر آنکه مقصود، غرض دیگری باشد، نه افاده حکم." (تقوی، ۱۳۶۳: ۲۱) در کتب بلاغت، جمله خبری را به طلبی، انکاری و ابتدایی تقسیم می‌کنند. پایه و اساس این تقسیم‌بندی بر اساس توجه به شنونده است. منظور از شنونده طرف مقابلی است که در کلام وجود دارد و مؤکد بودن سخن برای او شکل می‌گیرد. این مخاطب با شنونده یا خواننده عمومی کلام تفاوت دارد. مخاطب جمله‌های خبری طلبی، ابتدایی و انکاری در کلام حضور دارد و متکلم برای مؤثر نمودن سخن خود، با به‌کارگیری عوامل تأکید یا به‌کار نداشتن آنها، با توجه به وضعیت مخاطب حاضر در سخن، کلام خود را تنظیم می‌کند. در خبر ابتدایی که شنونده خالی‌الذهن است متکلم از ترک تأکید، در خبر طلبی که مخاطب سائل است از حسن تأکید و در خبر انکاری که مخاطب منکر است، از وجوب تأکید بهره می‌گیرد، اما در هر حال به‌کارگیری عوامل تأکید در مقابل مخاطب سائل یا منکر مطابق با اقتضای حال مخاطب است.

همچنین در کتاب‌های بلاغی درباره مقاصد و اغراض آمده است: مقاصد و اغراض خبر، یکی فایده و دیگری لازم فایده خبر است. زمانی که به مخاطب یا شنونده خبری داده شود که از آن اطلاع نداشته، فایده خبر می‌گویند؛ ولی اگر مخاطب از خبر آگاهی داشته، هدف گوینده، دادن

خبر تازه به شنونده نیست، بلکه غرض او از خبر یکی از لوازم حکم است که به آن لازم فایده خبر می‌گویند. (انزایی‌نژاد، ۱۳۶۷: ۶۱)

### بررسی کارکرد خبر بر اساس حال مخاطب

گفته شد خبر بر اساس احوال مخاطب به دو بخش ابتدایی و طلبی، انکاری تقسیم می‌شود. در این بخش کارکرد انواع خبر بر اساس حال مخاطب، بررسی و تحلیل می‌گردد، زیرا طرح این موضوع بر اهمیت عکس‌العمل مخاطب نسبت به کلام دلالت دارد و می‌تواند نشان‌دهنده ذهنیت متکلم درباره سطح آگاهی مخاطب و انعکاس آن در نحوه بیان مطلب باشد.

### خبر طلبی

گاه اقتضا می‌کند که شاعر مخاطب غیر منکر را مردد یا منکر فرض کند، بدین معنی که اصل اولیه در کلام آن است که کلام برای این‌گونه مخاطبان بدون تأکید آورده شود و در حالی که مخاطب تردید و انکاری ندارد، او را منکر فرض کرده، کلام را با مؤکدات مختلف تأکید می‌کنند. در علم معانی به این حالت، اصطلاحاً اقتضای حال می‌گویند؛ یعنی گوینده مخاطب را منکر فرض می‌کند و سخن خود را با تأکید می‌آورد، علت این مطلب آن است که مخاطب به حقیقت اقرار نمی‌کند. در ابیات تعلیمی کارکرد و بسامد انواع خبر، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است و توجه به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او تعیین‌کننده میزان استفاده از انواع جملات خبری است. از آنجا که اقتضای تعلیم و آموزش بر تأکید استوار است، مفتون برای انتقال مؤثرتر مفاهیم اخلاقی، از جملات خبری طلبی بیشتر از خبر ابتدایی بهره برده است. بنابراین او با در نظر گرفتن احوال خوانندگان شعر خود به‌ویژه حالت تردید یا انکار برخی مخاطبان، سعی می‌کند جملات خبری را با تأکید بیشتر و به شکل جملات طلبی بیان کند تا از یک‌سو بتواند اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکلی قاطع‌تر به مخاطب منتقل کند و از سوی دیگر حضور فعال مخاطب را در اثر خود نشان دهد.



به‌طور کلی تعاریف جملات خبری و تقسیم این جملات به خبر ابتدایی، طلبی و تأکیدی نشان می‌دهد که ماهیت این جملات بر وجود مخاطب خواه درجه اول و خواه دوم و سوم استوار است. به‌ویژه به هنگام کاربرد خبر طلبی، آوردن تأکید در جمله و اصرار بر اثبات سخن از سوی شاعر، زمانی منطقی خواهد بود که او به حضور مخاطبی در متن خود اعتقاد داشته باشد که ممکن است با او هم‌عقیده نباشد؛ بنابراین مفتون با کاربرد هر یک از انواع جملات خبری به‌طور ضمنی بر حضور مخاطب تأکید می‌کند و در مواردی نشان می‌دهد که این مخاطب، مردّد یا منکر نیز هست. بسامد بالای جملات خبر طلبی نشان می‌دهد، شاعر برای انتقال اندیشه‌های تعلیمی خود سعی داشته است از جملاتی بهره ببرد که تأکید و قاطعیت بیشتری دارند تا حتی مخاطب مردد یا منکر را نیز وادار به پذیرش کند. از مهم‌ترین شیوه‌های تأکید و آوردن خبر طلبی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

#### – استفاده از جمله‌های خبری با غرض امر مؤکد و در قالب تنبیه و تحذیر: این شیوه برای

جلب توجه مخاطب استفاده می‌شود و باعث تأکید جمله می‌شود.

نه دلبر می‌نماید بی‌وفایی      نه مفتون می‌کند با او جدایی  
ولی از صحبت مردم دو روزی      ببااید ترک کردن آشنایی

(همان: ۱۲۵)

ز من بگرفت دل شوخی پری‌زاد      که باید از وفا دل در عوض داد  
ز مفتون دل ببرد و دل ندادش      کنم از بی‌دلی افغان و فریاد

(همان: ۹۸)

اگر چه درد هجران را دوا نیست      ولیکن البلا جز للولا نیست  
ببااید ساخت مفتون در فراقش      زمان وصل بی‌هجران صفا نیست

(مفتون» ۸۷)

### کاربرد بسا در ابتدای جمله:

بسی با خوبرویان عهد بستم      بسی با مهوشان خلوت نشستم  
بسی مفتون ز تشویش جدایی      به گردن زلف چون زنجیر بستم

(همان: ۱۲۸)

تأکید به وسیله حروف منفی که موجب قصر کلام نیز می‌شود.  
نه سودای تو گر اندر میان بود      مرا کی دشمنی با دوستان بود  
نبود گر سایه گل عشق مفتون      چه جای آشتی با باغبان بود

(مفتون: ۹۹)

مرا دیدار رویت مشکل افتاد      چو کارم با خیالات دل افتاد  
نه از بی‌مهری استای یار مفتون      که هجران در میانه حایل افتاد

(همان: ۹۶)

### استفاده از ضمیر مشترک:

نشسته در جهاز اندر مقابل      بتی غارتگر جان آفت دل  
یقین هم زین سفر مفتون نخواهد      به عمر خویش ببند روی ساحل

(همان: ۱۲۰)

### کاربرد ضمائر اشاره در ابتدای جمله:

ز عشقتای نگار دل فروزم      به تن پیراهن طاقت بدوزم  
از این آتش که بر مفتون فشانندی      بگوای نازنین تا کی بسوزم

(همان: ۱۲۷)

نه کس فریاد رس در آن زمانم      نه در آن خانه یک تن هم زبانم  
در آن ساعت به حال زار مفتون      بکن رحم ای خدای مهربانم

(همان: ۱۲۷)

بدین حسن جمال و مهربانی  
بود امید مفتون که بمانی  
چرا ای نازنینت دل به ما نی؟  
همیشه در نشاط نوجوانی

(همان: ۱۴۹)

زجانان گر نشیند بر دلم خار  
در این عالم نخواهد کرد مفتون  
رسد هر لحظه بر جانم صد آزار  
نظر بر صورتی غیر از رخ یار

(همان: ۱۴۹)

#### تکرار کلمه:

خوشا فصل بهار و سیر گلزار  
خوشا مفتون و ایام جوانی  
خوشا وصل نگار و دور از اغیار  
لب جوی و لب جام و لب یار

(همان: ۱۰۲)

پس از مرگم رفیقان زار و دلخون  
نبینیدم چو اندر آن میانه  
همه در ماتم بنشسته محزون  
بگوئید یاد مفتون یاد مفتون

(همان: ۱۳۶)

بسی خوبان بسی از گلعداران  
ز روی تربت مفتون بچینید  
بسی قامت چو سرو جویباران  
گل حسرت در ایام بهاران

(همان: ۱۳۳)

#### تکرار ضمیر:

فلک بر من جفا خواهد نمودن  
یقین دارم که بعد از مرگ مفتون  
تو را از من جدا خواهد نمودن  
به دیگر کس وفا خواهد نمودن

(همان: ۱۳۴)

بتا ناز از تو و از من خریدن  
کمند از زلف تو گردن ز مفتون  
ز تو جور و جفا از من کشیدن  
ز تو کشتن ز من در خون تپیدن

(همان: ۱۳۰)

– مقدم داشتن آنچه باید مؤخر باشد: تقدیم اجزایی که باید مؤخر باشد؛ قابلیت زبانی است که سبب ارتباط مؤثرتر با مخاطب می‌شود و به همین دلیل در متون تعلیمی جایگاه ویژه‌ای دارد. به‌عنوان مثال در ابیات زیر تقدیم مسند، سبب تأکید بر مفهوم کل جمله می‌شود و خواننده را در همان آغاز جمله به اهمیت پیام و دریافت آن راهنمایی می‌کند.

سفر تلخ است و هجر دوست مشکل      برد از جان قرار و صبر و مشکل  
ز دیده از فراق یار مفتون      بیارم خون دل منزل به منزل

(مفتون: ۱۱۹)

خرامد گرچه سروت سوی گلزار      شود از غیرت روی تو گل زار  
خجل سنبل شود از پیچ زلفت      چو مفتون نرگس از چشم تو بیمار

(همان: ۱۰۴)

دلم شد شرحه شرحه از غم یار      به چشمم بی‌رخش خار است گلزار  
بت مفتون نمی‌کردی فراموش      نه چشم و دل نه در خواب و نه بیدار

(همان: ۱۰۷)

– تأکید به وسیله حروف منفی که موجب قصر کلام نیز می‌شود:

نه تیر اندر دلم بنشسته یاران      که آرنش برون مرهم گذاران  
سراپای دل مفتون نشسته      خدنگ غمزه‌های گل‌گذاران

(مفتون: ۱۳۷)

نه سودای تو گر اندر میان بود      مرا کی دشمنی با دوستان بود  
نبود گر سایه گل عشق مفتون      چه جای آشتی با باغبان بود

(همان: ۹۹)

نه بتوان از کسی کردن سؤال      که بعد از ما چسان بگذشت حالت  
اگر در عشق تو مفتون بمیرد      ولی دل زنده دارد در خیالت

(همان: ۸۴)

### خبر ابتدایی در ابیات تعلیمی

آن‌گونه از جمله‌های خبری که بدون تأکید باشند، خبر ابتدایی نامیده می‌شوند. در چنین مواقعی مخاطبی در تصوّر متکلم ایجاد شده که در برابر خبر، حالت شک یا انکار ندارد. مفتون با در نظر گرفتن احوال مخاطب خود، گاه برای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود از جملات خبر ابتدایی بهره می‌برد و از این طریق از مخاطبی که مردّد یا منکر نیست به‌صورت عاملی برای گرفتن تأیید درونی و ذهنی نسبت به اندیشه و آموزه‌های تعلیمی خود استفاده می‌کند.

نگارم نادم از جور و جفا شد      دوباره بر سر مهر و وفا شد  
به عمدا کرد مفتون ترک یاری      که هر ببریده بهتر آشنا شد

(مفتون: ۹۹)

چو ایام گذشته یادم آید      خرابی بر دل‌آبادم آید  
به یاد دوستان از چشم مفتون      برون خون از دل ناشادم آید

(همان: ۱۰۰)

قابلیت این دسته از جملات خبری در پذیرش مفاهیم تعلیمی و انتقال معانی ثانوی برای مفتون امکانات گوناگونی فراهم آورده است تا به‌وسیله این جملات، اندیشه‌های تعلیمی خود را به شکل مؤثرتری بیان کند. به‌طور کلی به هنگام تعلیم میزان تأثیرگذاری نوشتار از گفتار کمتر است؛ زیرا در گفتار، عواملی مانند آهنگ کلام، تکیه‌ها و درنگ‌ها، حالات دست و صورت و از همه مهم‌تر حضور مستقیم مخاطب به یاری متکلم می‌آیند تا کلامی مؤثرتر داشته باشد. به همین دلیل در متن‌های تعلیمی به دلیل حضور نداشتن متکلم و مخاطب به‌صورت مستقیم، دانش و اطلاعات متکلم در زمینه علم معانی می‌تواند بسیار کارگشا باشد. مفتون شاعری است که با تکیه بر این دانش و ظرفیت جملات در پذیرش معانی ثانویه، به هنگام بیان اندیشه‌های تعلیمی خود برای جبران ضعف شیوه نوشتاری، جملات خبری را با شیوه‌های متفاوت و با معانی ثانوی به کار می‌برد و از این طریق بر مخاطب تأثیر بیشتری می‌گذارد. به نظر می‌رسد، هنگام بیان اصول اخلاقی و تعلیمی، تمامی خوانندگان این اثر در مدّ نظر شاعر بوده‌اند به همین دلیل مفتون برای

تأثیرگذاری بیشتر بر این دسته از مخاطبان و انتقال پیام به آنها، از روش‌های متنوعی در شیوه بیان خود استفاده می‌کند. این شیوه‌های متنوع در کاربرد خبر ابتدایی، سبب انتقال بهتر پیام در اثر مذکور گشته است.

#### – استفاده از جملات دعایی همراه با جمله خبری:

در بررسی ابیات تعلیمی مشخص شد گاه شاعر برای افزایش بار عاطفی جمله و تأثیر بیشتر بر مخاطب، پیام اخلاقی خود را در قالب خبر ابتدایی و همراه با جمله دعایی بیان کرده است.

چه بد دردی بود دوری دلدار      بتر از مرگ باشد فرقت یار  
عزیزان اندر این عالم نباشد      دلی همچون دل مفتون گرفتار

(مفتون: ۱۰۵)

الهی کی دمد صبح قیامت      که در صحرای آن سازم اقامت  
به امیدی که بیند یار مفتون      بگیرد در بغل آن سرو قامت

(همان: ۹۲)

#### – استفاده از حرف پیوند "که" در جملات اسنادی:

در این دسته از جملات اگرچه شاعر اندیشه تعلیمی خود را در قالب خبر ابتدایی بیان می‌کند، اما از طریق حرف پیوند "که" به‌طور ضمنی برای سخن خود دلیلی می‌آورد و از این طریق باعث جلب توجه مخاطب می‌شود. در علم معانی این کاربرد حرف "که" را می‌توان نوعی اطناب و از نوع ایضاح پس از اطناب دانست.

فراوان دارم امشب انتظارت      که افتد از وفا بر ما گذارت  
دو دیده بر در استای یار مفتون      گرفته جان به کف بهر نثارت

(مفتون: ۸۶)

الهی کی دمد صبح قیامت      که در صحرای آن سازم اقامت  
به امیدی که بیند      بگیرد در بغل آن سرو قامت

(همان: ۹۲)

### مقاصد ثانویه خبر در ابیات تعلیمی ترانه‌های مفتون

با اینکه در ابیات تعلیمی ترانه‌های مفتون در مواردی خبر در معنای حقیقی به کار رفته است؛ اما بیشتر جملات خبری در معنای ثانویه آمده است. گفته شد که معانی ثانویه خبر، منشأ کارکرد هنری جمله و تأثیرگذاری آن در برقراری و تحکیم ارتباط متکلم و مخاطب است؛ به عبارت دیگر، تأثیرگذاری بر مخاطب و تقویت ارتباط با او از طریق مقاصد ثانوی خبر، میسر می‌شود. در بررسی ابیات حیطة پژوهش بیشتری اغراض ثانویه خبر عبارت‌اند از:

#### – ابراز تأسف و اندوه:

خزان آمد به گلزار جوانی	فتاد از پا درخت شادمانی
پرید از باغ مفتون بلبل عشق	درآمد زاغ پیری ناگهانی

(مفتون: ۱۴۹)

به هر اعضا که زخم تیغ و تیر است	ز مردن یا به مرهم ناگزیر است
دل مفتون ز تیر غمزه دوست	نه مردن هست نه مرهم پذیر است

(همان: ۹۲)

فراقت دلبراً خون کرده این دل	سرشک دیده جیحون کرده این دل
عنان اختیار و صبر و آرام	برون از دست مفتون کرده این دل

(همان: ۱۱۸)

#### – تشویق:

اگر آرام جان باشد تو باشی	وگر روح روان باشد تو باشی
وگر در دیده مفتون به دشتی	نگاری مهربان باشد تو باشی

(همان: ۱۴۶)

– هشدار:

بدین جلوه برای خودنمایی  
اگر بهر طواف کعبه آیی  
سراپا حاجیان در فرم احرام  
همه مفتون عشق خود نمایی

(همان: ۱۴۱)

بتا از من جدایی کردی امشب  
خلاف آشنایی کردی آخر  
شکستی عهد پیمانی که بستم  
به مفتون بی‌وفایی کردی آخر

(مفتون: ۱۱۰)

– تویخ:

بتا بر جبهه ات نقش ولا نیست  
دلت با عهد و پیمان آشنا نیست  
مکن جور و جفا مفتون غریب است  
غریب آزار بنمودن روا نیست

(همان: ۸۱)

– اظهار ناتوانی و ضعف:

عزیزان در جوانی پیر گشتم  
رفیقان از جهان دلگیر گشتم  
من آن روزی ز مفتون دل بریدم  
که صید زلف چون زنجیر گشتم

(همان: ۱۳۲)

اگر آیی به بالینم خرامان  
به پایت می‌فشانم دلبرا جان  
ز بویی بعد مردن زنده گردم  
اگرگیری سر مفتون به دامان

(همان: ۱۳۲)

مو که بی‌خانمانم به کجا شم  
زبار افتادگانم به کجا شم  
مو که از فرقت یار وفادار  
زدیده خون فشانم به کجاشم

(همان: ۱۲۶)



## اغراض ثانوی خبر

گاه جملات خبری از قصد اولیه و اصلی خود (دادن پیام به مخاطب) خارج می‌شوند و برای اغراض دیگری به کار می‌روند که به آن معانی ثانوی می‌گویند. (شمیسا، ۱۳۷۹: ۶۶) قصد اولیه و اصلی از ایراد جملات خبری، اخبار است؛ یعنی منتقل کردن پیامی به مخاطب، اما از جملات خبری برای اغراض دیگری هم استفاده می‌شود که در علم معانی بررسی می‌شود. گاهی مقاصد دیگری، وظیفه اصلی یعنی اخبار را تحت الشعاع خود قرار می‌دهد. به این معنی که معانی ثانوی جمله خبری یکی از لوازم آن است، مثلاً اگر به کسی بگوییم که "من پیر شدم" ممکن است مقصود ما یکی از لوازم این اخبار مثلاً اظهار تأسف و اندوه باشد، نه خود نفس خبر و این البته بستگی به مقتضای حال و مقام دارد. پس در هر حالی کلام یا خبر با توجه به اوضاع و احوال فهمیده می‌شود. بر این اساس می‌توان جمله‌ها را به دو دسته تقسیم کرد. نخست جمله‌هایی که هدف از آنها آگاه کردن مخاطب است و دسته دیگر، جملاتی که در آنها احساسات و عواطف اظهار می‌شود. در نوع اول هدف متکلم فقط اعلام خبر است بدون در نظر داشتن اقتضای حال مخاطب اما در نوع دیگر، گوینده مخاطب سخن را در نظر داشته است و سخن خود را با توجه به او شکل داده است.

در این دسته از جملات متکلم، قصد اخبار و اعلام ندارد، بلکه احساس و عاطفه خود را از طریق جمله خبری به مخاطب منتقل می‌کند. در جملات خبری دسته اول، ارتباط با مخاطب از طریق برجسته کردن موضوع شکل می‌گیرد اما در نوع دوم جهت‌گیری اصلی پیام به سوی فرستنده است؛ یعنی فرستنده با بیان خبر می‌خواهد یکی از ماهیت‌های درونی خود را اظهار کند. این ویژگی خبر، در حقیقت همان اغراض ثانویه خبر است که یکی از موضوعات اصلی علم معانی محسوب می‌شود.

در بررسی دوبیتی‌های مفتون ۵۷/۵۸ درصد از پیام‌های تعلیمی شاعر در قالب جملات خبری و ۴۲/۴۲ درصد در قالب جملات انشایی، بیان شده است و این امر نشان‌دهنده اهمیت این دسته از جملات در انتقال پیام‌های تعلیمی این اثر است. می‌توان گفت در ابیاتی که رویکرد

تعلیمی دارند؛ امرونی‌های پی‌درپی موجب دل‌سردی مخاطب می‌شود. به همین دلیل مفتون برای حفظ جذابیت اشعار تعلیمی، کوشیده است. بیشتر از جمله‌های خبری مخاطب محور بهره برد و با استفاده از روش‌های متفاوت تأکید در این دسته از جملات به هدف تعلیمی خود دست یابد.

برای بررسی و تحلیل انواع خبر بر اساس حال مخاطب، جملات خبری از نظر طلبی، ابتدایی، انکاری و همچنین اغراض ثانویه، در این اثر بررسی شدند. بررسی جملات خبری از این منظر علاوه بر اینکه تصوّر ذهنی شاعر را در مورد سطح ادراک مخاطب نشان می‌دهد، اهداف او از بیان مطلب را نیز تبیین می‌کند و معانی ثانوی، قابلیت‌های خبر و کارکرد آن را در برقراری ارتباط و انتقال پیام نشان می‌دهد.

### نتیجه

بررسی ابیات تعلیمی ترانه‌های مفتون و بسامد آنها در این اثر نشان می‌دهد که مفتون در اشعار عاشقانه و غنایی خود از حکمت و پند و اندرز غفلت نمی‌کند و سعی می‌کند بر افکار و اندیشه مخاطبان خود تأثیر بگذارد. بسامد کاربرد جملات انشایی و خبری در این ابیات از روش‌های مؤثر او برای ارشاد مخاطب و انتقال مفاهیم اخلاقی به شیوه‌های گوناگون با معانی ثانویه است. مفتون در بسیاری از ابیات سعی دارد از طریق استرحام، التماس و تهدید مخاطب خود را آگاه کند و مناسب‌ترین راه برای ورود به این مقوله‌ها، بهره‌گیری از جملات پرسشی می‌داند. او با آگاهی از قابلیت جملات پرسشی در مقوله‌های معنایی متفاوت، از این جملات و معانی ثانویه آنها مناسب با فضای اثر خود بهره می‌برد. مفتون به هنگام کاربرد جملات پرسشی، معنای ثانویه تویخ و ملامت و هشدار را بیشتر از سایر موارد به کار برده است. در حقیقت او برای انتقال اندیشه و افکار خود و بازداشتن مخاطب از اشتباه، به جای امر یا نهی مستقیم، سعی کرده است از طریق مقوله پرسش و با زبان عاطفی و ساده و صمیمی ملامت، به این مهم دست یابد. مفتون برای وفاداری، عذوفت و مهربانی، عدم جور و ستم، پای بندی به عهد و پیمان، محبت و... این

دسته از جملات را استفاده می‌کند و سعی می‌کند با استفاده از ابزار بلاغی پرسش، خوانندگان را از معیارهای انسانی متبّه سازد و در راه رسیدن به سعادت یاری دهد.

پس از توییح و ملامت و هشدار بیشترین جملات پرسشی به صورت استفهام انکاری و تأسف است. در استفهام انکاری، هدف اصلی اثبات چیزی است که به شکل انکاری مورد پرسش قرار گرفته است؛ بنابراین مفتون از این ابزار بلاغی نیز با زیرکی در راستای بیان اندیشه‌های تعلیمی خود بهره گرفته است و بدون اینکه به صورت مستقیم سعی در اثبات عقیده خود داشته باشد با پرسش انکاری به این هدف دست می‌یابد. پرسش بلاغی که در آن گوینده هیچ‌گونه انتظاری برای دریافت پاسخ ندارد، یکی از راه‌های مؤثر برای برجسته‌سازی پیام است؛ بنابراین شاعر از طریق پرسش و بدون کاربرد روش مستقیم پند و اندرز، پیام اخلاقی مورد نظر خود را با برجستگی و تأکید بیشتر به مخاطب منتقل می‌کند. بسامد انواع خبر در ابیات تعلیمی مفتون، دال بر اهمیت انتقال صریح پیام در زبان شاعر است. همچنین استفاده از انواع جملات خبری، نشان دهنده توجه شاعر به احوال مخاطب و در نظر گرفتن سطح آگاهی او در بیان اندیشه‌های تعلیمی است. از همین رو مفتون در درجه نخست از خبر طلبی که تأکید بیشتری دارد برای بیان و انتقال پیام خود بهره گرفته و پس از آن از جملات خبری ثانویه استفاده کرده است. یکی دیگر از راه‌های ارشاد و تأثیرگذاری او بر مخاطب، کاربرد جملات امر و نهی است. این دسته از جملات با توجه به محتوای ابیات در بسیاری موارد در معنای حقیقی ارشاد بیان شده‌اند؛ اما معانی ثانویه‌ای نیز می‌توان از ابیات برداشت کرد که مهم‌ترین آنها تأسف و توییح است. مفتون از طریق جملات امر، مخاطب خود را برای رسیدن به آرمان‌ها و اهداف متعالی ترغیب می‌کند و در درجه اول، سعی دارد از طریق امید بخشیدن و تشویق، مخاطب خود را به خیر و نیکی رهنمون کند.

## منابع و مآخذ

کتاب:

احمدی ری شهری، عبدالحسین. پژوهشی در آثار افکار و اشعار مفتون بردخونی. بوشهر: انتشارات ولی عصر، ۱۳۸۱.

رسطو. ریطوریکا (فن خطابه)، ترجمه پرخیده ملکی. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۷۱.

نزابی‌نژاد، عبدالحسین. اصول علم بلاغت در زبان فارسی. قم: نشر الزهراء، ۱۳۶۷.

فتازانی، سعدالدین مسعود. مختصرالمعانی فی تلخیص المفتاح. قم: انتشارات مصطفوی، بی‌تا.

قوی، نصرالله. هنجار گفتار در فن معانی و بیان و بدیع فارسی. اصفهان: فرهنگسرای اصفهان، ۱۳۶۳.

جایی، محمدخلیل. معالم البلاغه شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۵۹.

ضانزاد، عبدالحسین. اصول علم بلاغت در زبان فارسی. قم: نشر الزهراء، ۱۳۶۷.

میساء، سیروس. بیان و معانی. تهران: انتشارات فردوس، ۱۳۷۹.

زازی، میرجلال‌الدین. معانی و بیان. تهران: کتاب ماد، ۱۳۸۵.

هاشمی، احمد. جواهر البلاغه، ترجمه حسن عرفان. قم: نشر بلاغت، ۱۳۸۸.

همایی، جلال‌الدین. معانی و بیان، به کوشش ماهدخت بانو همایی. تهران: نشر هما، ۱۳۷۴.

## مقالات:

آقا حسینی، حسین؛ براتی، محمود؛ جمالی، فاطمه. "اهمیت پرسش در متون عرفانی". مجله کاوش نامه، دوره ۱۲، شماره ۲۲، ۱۶۰-۱۳۱، ۱۳۹۰.

جمالی، فاطمه. "نقد و تحلیل اغراض ثانوی خبر و انشا در علم معانی". نشریه بلاغت کاربردی و نقد بلاغی. شماره ۲ (پیاپی ۴)، صص ۱۱۶-۹۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵.

فاتحی نصرآباد، زهرا؛ طالبیان، یحیی. "بیان مضامین تعلیمی در خلدبرین وحشی بافقی با استفاده از خبر و انشای طلبی". پژوهش‌نامه نقد ادبی و بلاغت، دوره ۷، شماره ۲، صص ۱۷۲-۱۵۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۷.

محمودی، مریم. "بررسی اغراض بلاغی خبر و انشا در سبک تعلیمی ناصرخسرو (با تکیه بر دیوان قصاید)". نشریه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۲۴)، صص ۶۶-۲۵۱، تابستان ۱۳۹۳.

میرباقری فرد، سید علی‌اصغر؛ محمدی، معصومه. "بررسی و تحلیل نقش پرسش در آثار عین القضات همدانی". نشریه پژوهش‌های ادبی، دوره ۷، شماره ۳۰-۲۹، صص ۱۶۶-۱۴۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.

## Investigating the rhetorical intentions of news and essayism in the enchanting couplets of Bordokhoni

Sayyid Niamuddin Hosseini<sup>1</sup>, Sayyid Mahmoud Seyed Sadeghi Ph.D<sup>2\*</sup>,  
Shams Alhajieh Ardalani Ph.D<sup>3</sup>

### Abstract

Meftun has effectively used rhetorical tools, especially semantics, in his couplets, songs and lyrical romances. In this research, the role of semantics in the transmission of poetic ideas in the enchanted couplets has been investigated in order to identify that when he wants to implicitly turn to advice and teaching in his lyrical and romantic couplets, What kind of sentences did he use and how did he use them to convey the intended themes to the audience in the best way. By using the science of meanings and its appropriate tools such as interrogative, informative and imperative sentences in an effective way, Muftun has succeeded in conveying poetic concepts and themes to his audience, and at the same time, in this way, the presence of the audience in the context of the text. It has also shown more prominently. Examining these sentences and their secondary purposes is very necessary to understand his thoughts. By examining the type of sentences used in didactic verses and their secondary purposes and meanings, it is determined how to connect the lyrical language of Mofotun with his educational goals in these poems. In this research, the authors have investigated this category of sentences and their secondary meanings in a descriptive-analytical way and library tools, and the salient points of three topics of the science of semantics, i. e. imperative and informational interrogative sentences and their role and influence in The effective transmission of the poet's themes in the lyrical and romantic song has been described and explained.

**Keywords:** couplets, poetic themes, fascinated by bloodshed, news and composition, semantics.

---

1. PhD student, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Email: dinsnh@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran (Author)

Email: sadeghi.mhmood3@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Bushehr Branch, Islamic Azad University, Bushehr, Iran

Email: ardalani\_sh@yahoo.com